

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

غارث نفت و نقش آن در عقب ماندگی ایران

فاطمه نوروززاده

چکیده:

این مقاله با هدف تبیین ضرورت آگاهی از الگوی توسعه اسلامی ایرانی برای حفظ سرمایه ملی نفت و به دنبال آن توسعه اقتصادی، فرهنگی و سیاسی نوشته شده است. بدین منظور پس از ذکر مقدمه ای در خصوص قراردادهای نفتی و عملکرد استعمار در آن زمان، مطالعاتی در این زمینه صورت گرفت و با توجه به محوریت قراردادهای مختلف و پیامدهای آن در دوران های مختلف به دنبال آگاهی دادن در خصوص غارت منابع عظیم کشورمان در گذشته باشد. در پایان با ارائه پیشنهادی در این زمینه امید میرود نسل های جدید هر چه بیشتر در جهت نگهداری و حفظ سرمایه ملی کوشا باشند.

کلید واژه: قرارداد، استعمار، مالکیت، تعهدات حقوقی، نفت خام، پرداخت ها، تسهیلات

بیان مسئله:

به نظر می رسد که کشور برای رسیدن به الگوی پیشرفت مطلوب در زمینه اقتصادی، فرهنگی و اجرای برنامه توسعه اسلامی باید به تنگناهایی که در عرصه های مختلف با آن مواجه بود، توجه بیشتری داشته باشند و با بیداری نسل جدید برای هموار نمودن مسیر توسعه از آنان یاری جوید. چرا که ایران قدرتمند مانع اهداف استعماری انگلیس در منطقه شد به همین دلیل مبنای سیاست انگلیس تضعیف و نابودی ایران است چرا که امروزه برخی روشنفکران در مورد نقش استعمار در ایران دگر دیسی شده اند و وجود آن را کمرنگ حس می کنند اینگونه افراد دانش کافی در حوزه سیاست را ندارند و لذا فرهنگ دینی را هم در کشور مورد هدف قرار می دهند.

۱. مقدمه

اولین بار در سال ۱۹۰۱م/ ۱۲۸۰ش امتیاز بهره برداری از نفت ایران به یکی از اتباع انگلیسی به نام دارسی واگذار شد. این امتیاز که به (قرارداد دارسی) معروف است در اوایل کار از سوی طرفین قرارداد چندان جدی تلقی نشد و حتی پس از چند سال که از اقدامات بی نتیجه اکتشافی آن می گذشت امتیازداران درصدد برآمدند از ادامه کار صرف نظر کنند ما بر اثر مساعدت و جسارت برخی از مدیران و مهندسان دارسی، پس از تلاشهای گسترده سرانجام در سال ۱۹۰۸م/ ۱۲۸۷ش در منطقه مسجد سلیمان یکی از چاهها به نفت رسید و این آغاز تحولی جدید در عرصه سیاسی، اقتصادی ایران و حتی جهان شد پس از آن صاحبان امتیاز با قاطعیت بیشتری عملیات اکتشافی خود را ادامه دادند و با کشفیات جدید نفت سرمایه گذاریهای گسترده تری در این باره ضرورت یافت نفت ایران هنگامی اهمیت بیشتری پیدا کرد که دولت انگلستان در پی محاسبات کارشناسان اقتصادی -

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

سیاسی این کشور درصدد برآمد به طور مستقیم‌تری در این پروژه عظیم مشارکت نماید و آن خرید سهام دارسی بود این هدف تا جنگ جهانی اول حاصل شد و پس از آن دولت انگلستان خود مالک بی‌رقیب منابع نفتی عظیم ایران در بخش‌های جنوب و جنوب شرقی شد. از نقش قاطعی که نفت ایران در سراسر دوران جنگ اول جهانی در تأمین انرژی و سوخت لازم جهت ناوگان دریایی انگلستان داشت آگاهی داریم به ویژه پس از جنگ اول جهانی بود که انگلستان درصدد برآمد نفوذ خود را در حوزه‌های نفتی ایران بیش از پیش مستحکم‌تر سازد و از ورود هر کشور و یا شرکت نفتی خارجی به این مناطق ممانعت به عمل آورد. با توجه به ثروت عظیمی که از کشف و صدور نفت ایران عاید انگلیس می‌شد خیلی زود بر محافل داخلی کشور آشکار شد که قرارداد پیشین دارسی نمی‌تواند حقوق اقتصادی دولت ایران را تأمین نماید، بنابراین زمره‌هایی به وجود آمد تا در مفاد این قرارداد تجدیدنظری صورت بگیرد مسئله دیگر به کشورها و شرکتهای نفتی مربوط می‌شد که با توجه به نتایج اکتشاف دولت انگلیس در حوزه‌های نفتی ایران، که پس از این با نام شرکت نفت ایران و انگلیس از آن یاد خواهد شد، درصدد برآمده بودند سهمی از این غنایم به دست آورند

شرکتهای نفتی آمریکایی از جمله این موارد بودند که، به ویژه از اواخر دوره سلطنت قاجارها در ایران فعالیت‌هایشان را در این زمینه آغاز کرده بودند اما تلاش دولت شوروی در این باره اهمیت بیشتری پیدا کرده بود این کشور که در سراسرهای شمالی با ایران هم‌مرز بود در یک روند رقابت‌آمیز با دولت انگلیس خواهان نفوذ در حوزه‌های نفتی ایران بود. هرچند هدف اصلی دولت شوروی به دست آوردن امتیاز بهره‌برداری از نفت شمال ایران بود اما از طرف دیگر نفوذ و تسلط بلامنازع رقیبش دولت انگلیس را در حوزه‌های مهم نفتی ایران در جنوب کشور نیز بر نمی‌تابید و پیوسته درصدد بود از دامنه اقتدار این کشور بر آن مناطق بکاهد. بنابراین تا دهه اول سلطنت رضاشاه، افکار عمومی داخلی و خارجی به دلایل عدیده یادشده و غیره درصدد کاستن از شدت تسلط و تملک انگلیس بر منابع نفتی ایران برآمده بودند. در واقع در پی چنین واکنش‌هایی بود که رضاشاه درصدد برآمد برای انحراف اذهان عمومی هم که شده باشد، قرارداد اولیه دارسی را بی اعتبار دانسته و ملغی اعلام دارد پس از مذاکراتی چند در سال ۱۳۱۲ش / ۱۹۳۳م میان دولت ایران و دولت انگلیس قرارداد دارسی با تغییراتی جزئی و نه چندان با اهمیت بار دیگر تجدید و تمدید شد و با توجه به اینکه این قرارداد پیش از آنکه آراء معترضین بر قرارداد پیشین دارسی را برآورده سازد به حفظ و استحکام هرچه بیشتر منافع دولت انگلیس معطوف بود، بنابراین از دید مخالفان، این قرارداد بیش از یک مانور سیاسی - اقتصادی تلقی نشد

مطالب زیادی در ارتباط با تاریخچه نفت ایران نوشته شده است؛ از جمله چندین جلد کتاب درباره تاریخچه شرکت نفت انگلیس، توسط خود آن شرکت منتشر شده است .

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

۱. مثلاً نفت، قدرت، و اخلاق؛ فرمانفرمایان و فرمانفرمایان، خون و نفت؛ الول-ساتن، نفت ایران ۲- بانک جهانی، «ملی‌شدن صنعت نفت ایران: چکیده‌ای از ریشه‌ها و مسایل» مورخ 19 فوریه ۱۹۵۲؛ در وزارت خزانهداری آمریکا، پرونده شماره ۳۰۶/۷/۳۶۲، سند شماره ۵۴۱.۳- همان، ص ۳.۴- همان، ص ۲۱.۵- «بوی نفت می‌آید، انگلیسی‌ها آمدند!» منبع و مأخذی مکتوب در باب تاریخ عملیاتی نفت در جنوب غربی ایران و حوزه‌های نفتی در خوزستان است که علی یعقوبی نژاد تالیف کرده است. و ... کتب و اسناد بسیاری در این زمینه به این موضوع مهم اشاره کرده و به آن پرداخته‌اند.

۲. شرح مطلب:

اعتراضات و مخالفت‌های محافل داخلی در بستر جدیدتری شکل گرفت اما با توجه به جو سرکوب و خفقان‌آوری که بر ایران عصر رضاشاه حاکم بود این مخالفت‌های داخلی مجال چندانی برای ابراز نیافت. مضافاً اینکه دولت انگلیس در موازات حکومت رضاشاه با بهره‌گیری از یاری مأموران اطلاعاتی بومی و خارجی‌اش در سرکوب مخالفان داخلی قرارداد تجدیدنظر شده داری سود می‌جست بدین ترتیب این روند که بیشتر به نوعی آتش زیر خاکستر شباهت داشت تا پایان سلطنت رضاشاه تداوم یافت و دقیقاً پس از عزل وی از سلطنت و جانشینی فرزندش محمدرضا پهلوی بود که آن خشم درونی نجات یافته از جو خشونت‌آمیز پیشین به ناگهان شعله‌ور شد و برنامه‌های گوناگون حکومت پیشین را به باد انتقاد گرفت که از مهم‌ترین این موارد مخالفت با فعالیت شرکت نفت ایران و انگلیس و غارت ثروت طبیعی کشور توسط دولت انگلستان بود با این حال تا هنگامی که نیروهای اشغالگر متفقین و در رأس آنها انگلستان در ایران حضور داشتند مخالفت‌های داخلی چندان تزلزلی در فعالیت شرکت نفت ایران و انگلیس در حوزه‌های نفتی جنوب ایجاد نکرد؛ هرچند اعتراضات وجود داشت. از سوی دیگر کشورهای شوروی و آمریکا نیز هر یک به نوعی درصدد رخنه کردن در حوزه‌های نفتی ایران در بخش‌های مختلف کشور برآمده بودند و به ویژه فعالیت‌های گسترده نفتی انگلستان در جنوب ایران را مستمسک ورود خود و شرکت‌های نفتی‌شان در حوزه‌های دیگر نفتی ایران قرار می‌دادند و از آنجایی که نفوذ انگلیس در ایران سد راهی عظیم جهت ورود آنها به ایران بود درصدد بودند از هر وسیله ممکن منافع این کشور در ایران را محدود سازند. این دو کشور برای رسیدن به این هدف حداقل از دو شیوه پیروی کردند که راه اول همان تلاش برای سهیم شدن در دیگر حوزه‌های نفتی ایران، به استثنای حوزه‌های نفتی مربوط به شرکت نفت ایران و انگلیس بود. اما از آنجایی که این روش در شرایط تسلط انگلیس و شرکت نفت ایران و انگلیس بر بخش‌های مختلف ایران چندان کارآیی نشان نداد از روش دومی بهره گرفتند و آن توسل جستن به نیروهای بومی و ایرانی بود. بیشترین موضع‌گیریها در قبال مسئله نفت ایران و حوادثی که پیش روی آن قرار

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

داشت در مجلس شورای ملی رخ نمود هر چند در خارج از مجلس نیز آرایش نیرو و جناح‌بندیهای متعدد سیاسی، اقتصادی در حال شکل‌گیری بود که هر یک از جریان سیاسی مورد علاقه خود پیروی می‌کردند. پس از سقوط رضاشاه، مجلس شورای ملی از شکل فرمایشی پیشین فاصله گرفته بود و تا حدی آزادی عمل داشت از جمله دلایل این امر شکسته شدن جو دیکتاتورمنشانه پیشین و موضع‌گیری جدی کشورهای خارجی علاقه‌مند در امور سیاسی، اقتصادی ایران در مقابل همدیگر بود. بنابراین هر یک از این کشورها درصدد پیشی گرفتن بر رقیب بودند. از سوی دیگر مجلس شورای ملی پس از سقوط رضاشاه، دیگر فرزند و جانشین وی محمدرضا پهلوی را چندان مهم تلقی نمی‌کرد و جایگاه او را به حد فردی که لازم است فقط سلطنت کند، نه حکومت، تنزل داده بود.

بنابراین مهم‌ترین ابزار اعمال سلطه انگلیس در شئون مختلف کشور، یعنی شخص شاه، قدرت در خور توجهی نداشت. به همین دلیل این کشور جهت تحکیم موقعیتش در ایران به قدرتیابی فائده‌شاه در مقابل دیگر نیروهای دارای نفوذ و اقتدار داخلی نظیر هیأت دولت و به‌ویژه مجلس شورای ملی نیاز مبرم احساس می‌کرد اما در مجلس شورای ملی که در واقع مرکز ثقل اصلی تحولات کشور به شمار می‌رفت و تصمیمات مهم و کلان کشور نظیر مسئله نفت در آن مکان حل و فصل می‌شد، نمایندگان آرایش یکدستی نداشتند گروهی بدون وابستگی به کشورهای خارجی گرایش‌های صرف استقلال‌خواهی و وطن‌پرستانه را دنبال می‌کردند. گروهی از سیاست‌های شوروی در ایران پشتیبانی می‌کردند. گروه سوم به سیاست انگلیس گرایش داشتند و از اهداف مختلف سیاسی، اقتصادی این کشور در ایران پشتیبانی می‌نمودند. با این حال هیچ یک از گروه‌های سه‌گانه اخیر برتری قاطعی در مجلس نداشت و در صورت ائتلاف دو گروه بر ضد دیگری آرایش و تعادل نیروها به هم می‌خورد. غیر از این گروه‌ها عده‌ای نیز هرچند گرایش‌های استقلال‌خواهی داشتند اما جهت کاستن از نفوذ قدرتهای خارجی بالاخص شوروی و انگلیس بی‌میل نبودند که پای قدرت دیگری مانند آمریکا نیز به میان کشیده شود تا در فشارهای این دو قدرت بر شئون مختلف کشور اندکی تخفیف حاصل آید. با توجه به موضع‌گیری هر یک از این جناح‌ها و احزاب در مجلس می‌شد ارزیابی کرد که ائتلاف گروه‌های استقلال‌خواه با طرفداران شوروی و مدافعان تز ورود قدرت ثالث (آمریکا) به ایران، برای مقابله با انگلستان چندان دور از ذهن نمی‌نماید. بدین ترتیب به نظر می‌رسید ائتلافی، هرچند بدون هماهنگی و نامتعارف، بر ضد انگلستان در عرصه سیاسی - اجتماعی ایران در حال شکل‌گیری است. در چنین شرایطی بود که به ویژه مجلس شورای ملی طی سالهای ۱۳۲۳-۱۳۲۷ قوانینی در جلوگیری از واگذاری امتیازات نفتی به کشورهای خارجی تصویب کرد و در همان حال دولت انگلستان که به درستی بر این باور قرار گرفته بود که منافع (البته نامشروع) عظیم نفتی‌اش در جنوب و غرب ایران با خطرهای جدی مواجه شده‌است، درصدد چاره‌جویی برآمد. قرارداد الحاقی نفت (که

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

اندکی بعد با نام قرارداد گس-گلشائیان هم مشهور شد) مهم ترین طرحهای بریتانیا برای حفظ و تحکیم موقعیتش در سرپل های عظیم نفتی ایران در جنوب و غرب کشور بود.

۳. قرارداد ۱۹۳۳

قرارداد ۱۹۳۳، یا قرارداد ۱۳۱۲ (خورشیدی)، قراردادی بین دولت ایران و شرکت نفت ایران و انگلیس بود که در دوره رضاشاه پس از الغای قرارداد داری و عملاً برای تمدید مدت آن قرارداد منعقد شد. شخص رضاشاه پس از مذاکره با سر جان کدمن، رئیس شرکت نفت ایران و انگلیس، و هور سفیر بریتانیا در ایران این قرارداد را قبول کرد و مقامات دولت را وادار به تصویب آن کرد. مجلس شورای ملی نیز به اتفاق آرا آن را تصویب کرد. در این قرارداد شرکت نفت ایران و انگلیس همچنان به اکتشاف و استخراج و فروش منابع نفتی ایران، بدون هیچ الزامی به ارائه صورت عملکرد به دولت ایران، ادامه می داد. مدت قرارداد ۶۰ سال تعیین شد. قانون ملی شدن نفت که در سال ۱۳۲۹ تصویب شد این قرارداد را باطل کرد ولی پس از کودتای ۲۸ مرداد در سال ۱۳۳۲ قرارداد کنسرسیوم جانشین آن شد.

۴. قرارداد گس-گلشائیان

قرارداد گس-گلشائیان یا «قرارداد الحاقی»، قراردادی است که در تاریخ ۲۶ تیر ۱۳۲۸ بین دولت ایران و نمایندگان شرکت نفت انگلیس و ایران به عنوان ضمیمه قرارداد ۱۹۳۳ امضا شد. بر اساس این قرارداد شرکت نفت تعدیلاتی در مبالغ پرداختی به ایران را می پذیرفت. نام قرارداد از نام دوتن از مذاکره کنندگان یعنی سر نویل گس (از مقامات شرکت) و عباسقلی گلشائیان (وزیر دارائی ایران) گرفته شده است. این قرارداد به تصویب مجلس شورای ملی نرسید و به جای آن قانون ملی شدن نفت ایران تصویب شد.

۵. قرارداد کنسرسیوم

قرارداد کنسرسیوم قراردادی است که پس از کودتای ۲۸ مرداد بین دولت ایران و کنسرسیومی از شرکت های نفتی بین المللی برای بهره برداری از منابع نفتی ایران بسته شد. در این قرارداد که به «قرارداد امینی-پیچ» نیز معروف شده است برخلاف قانون ملی شدن نفت ایران باز هم اکتشاف و استخراج و فروش نفت به دست شرکت های خارجی سپارده شد و ایران به دریافت حق الامتیاز (با نام مبهم «پرداخت اعلام شده») اکتفا کرد. این قرارداد براساس اصل کلی پنجاه-پنجاه طرح شد. مذاکره کننده اصلی ایران در مسائل مربوط به این قرارداد دکتر علی امینی وزیر دارائی کابینه سپهبد زاهدی بود. بر اساس این قرارداد شرکت نفت ایران و انگلیس ۴۰٪، شرکت های آمریکائی نیز ۴۰٪، شرکت شل ۱۴٪ و شرکت فرانسوی ۶٪ در منافع کار سهام بودند.

۶. در طول جنگ ایران و عراق

۷. جنگ نفت کش ها

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

در طول جنگ ایران و عراق میادین و تاسیسات نفتی ایران مورد حمله هوایی ارتش عراق قرار می‌گرفت. از میان نقاط هدف صنعت نفت ایران برای عراق در طول جنگ تاسیسات نفتی جزیره خارک و پالایشگاه آبادان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بودند. هدف عراق از این حملات قطع صادرات نفت ایران بود، با این حال حتی یک روز نیز صادرات نفت ایران در طول جنگ قطع نگردید. در نهایت صنعت نفت ایران در طول جنگ ۸ ساله در حدود ۱۰۰۰ کشته، ۹۷۰۰ مجروح و ۱۱۸۰ اسیر را متحمل شد.

نگاهی به قراردادهای نفتی ایران با دولتهای انگلیس و امریکا در دوره قاجار و پهلوی مبین این نکته است که در بیشتر این امتیازات هیچ‌گونه موازنه‌ای از لحاظ قدرت سیاسی و نظامی بین گیرندگان امتیاز و کشور ایران وجود نداشت و مذاکرات در شرایط مساوی بین طرفین صورت نمی‌گرفت. در این بین، قراردادهای داری و کنسرسیوم را که هردو آنها در شرایط بحران، فقر و ضعف دولتهای وقت ایران با ابتکار انگلیسیها به کشور تحمیل شد می‌توان فقط نمونه‌ای از تضييع حقوق ملت ایران از سوی سیاستمداران بریتانیا دانست. به عبارت بهتر، سیاستمداران دولت استعماری انگلستان که همواره مترصد بودند تا از وضع نابسامان ایران در جهت افزایش منافع و تحقق خواسته‌های خود بهره‌گیرند، در قالب دو قرارداد داری و کنسرسیوم توانستند منافع سرشار از منابع زیرزمینی ایران برای مدتی طولانی تضمین کنند. این مقاله ضمن بازخوانی تاریخی قراردادهای داری و کنسرسیوم می‌کوشد تا با مطالعه ابعاد حقوقی دو قرارداد مذکور، میزان منافع انگلستان را در این قراردادها بررسی کند و به این پرسش پاسخ دهد که قراردادهای داری و کنسرسیوم چه منفعی را نصیب دولتین ایران و انگلستان ساخت. مقاله در پاسخ به پرسش مذکور این فرضیه را به آزمون می‌گذارد که: «دولت انگلستان با بهره‌گیری از ضعف سیاسی، حقوقی و تکنولوژیک دولتهای وقت ایران توانست قراردادهای نفتی داری و کنسرسیوم را به ایرانیان تحمیل کند و از این رهگذر ضمن مغبون ساختن ملت ایران منافع سرشاری را عاید خود سازد.» این فرضیه بر مبنای این مفروض قرار دارد که انگلستان در دوره مورد بررسی، دولتی توسعه‌طلب و امپریالیست بوده است. مقاله برای تسهیل فهم قراردادهای مذکور با بررسی و بازخوانی مجدد «متن کامل» این قراردادها، آنها را بر اساس پنج شاخصه دوره زمانی قرارداد، مالکیت مخزن، مالکیت تاسیسات، مالکیت اکتشاف و نحوه پرداختها به دولت ایران و در قالب جدولهایی مستقل بررسی می‌کند تا به صورت مشخص منافع هر یک از طرفین را از قراردادهای مذکور نشان دهد. این نوشتار همچنین با مروری بر برخی از اسناد و خاطرات موجود نحوه نگرش و دیدگاه مقامات وقت ایران و انگلستان را در قبال دو قرارداد بررسی خواهد کرد. این مقاله نخست به زمینه و زمانه شکل‌گیری قرارداد داری و ابعاد حقوقی آن می‌پردازد سپس با بررسی نکات مشابه در مورد نحوه تکوین قرارداد کنسرسیوم، نتیجه‌گیری‌هایی را عرضه خواهد کرد.

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

۸. زمینه و زمانه انعقاد قرارداد امتیازنامه داری

امتیاز داری با مساعدت آرتور هاردینگ، وزیرمختار وقت بریتانیا در تهران به آلفرد ماریوت، نماینده داری واگذار شد. اما با نهایبی شدن قرارداد از آنجایی که دولت انگلیس درصدد تبدیل سوخت کشتیهای جنگی خود از زغال سنگ به نفت بود در نتیجه امتیاز داری به توافقنامه‌ای بین‌المللی بدل گشت. هنگام وقوع جنگ جهانی اول در ۱۹۱۴ حدود شش سال از فوران نفت در مسجد سلیمان سپری می‌شد و ناتوانی داری در تدبیر امور امتیازنامه سرانجام موجب شد تا دولت انگلستان در این سال در معامله‌ای به ارزش دویست هزار لیره ۵۱ درصد از سهام شرکت نفت ایران و انگلیس را خریداری کند و بدین ترتیب تقاضای نیروی دریایی خود را برای تأمین نفت مطمئن و ارزان برای مدتی طولانی برآورده سازد.

معامله مذکور با اعتراض شدید دولت ایران روبه‌رو شد و افرادی از مردم آگاه به سیاست و آزادی‌خواهانی نظیر شیخ محمد خیابانی را به واکنش وادار ساخت. مرحوم خیابانی در یکی از سخنرانیهای خود با خدعه‌آمیز و خائنانه خواندن معامله مذکور تصریح کرد: دولت انگلستان هیچ‌گاه توفیق نمی‌یافت چنین امتیازی را مستقیم از دولت ایران به دست آورد و بنابراین داری را به میدان آورد تا بدین ترتیب، صورت شوم امپریالیسم را پشت سر او پنهان دارد. البته دولت انگلیس همواره در پاسخ به این اعتراضات مدعی می‌شد که این معامله فقط ترتیبی برای فروش نفت است و دولت انگلستان نه در اداره و نه در روابط تجاری و سیاسی شرکت با دولت ایران دخالتی نخواهد داشت. در همین حال، این معامله که مقارن با ساخت کشتیهای مدرن نفت سوز از سوی انگلستان و بیشتر برای رفع نیازهای ناوگان نظامی آن کشور صورت می‌گرفت در عین حال موجب شد انگلیس در مقابل رقیبان خود در ایران آسیب‌پذیر شود و به همین دلیل در میانه جنگ جهانی اول، مأموران آلمانی و ترک با تحریک اعراب و بختیاریه‌های غرب و جنوب غرب ایران، به لوله‌ها و تأسیسات نفتی (که در واقع متعلق به انگلیس بود) حمله کردند. هرچند مطابق محاسبات حساب‌رسانی که از سوی دولت ایران مسئول رسیدگی به زیان انگلیس از این حوادث شده بودند کل خسارت انگلیسها از این رهگذر به بیش از بیست هزار لیره بالغ نمی‌شد اما همین امر بهانه‌ای برای انگلیس شد تا از پرداخت ۱۶ درصد حق‌الامتیاز ایران خودداری ورزد. این امر موجب بروز اختلافاتی شد که سرانجام ایران در سال ۱۹۲۰ برای حل اختلاف، قرارداد موسوم به آرمیتاژ - اسمیت را امضا نمود. هر چند بر اساس این قرارداد شرکت نفت ایران - انگلیس ادعای خود را مبنی بر دریافت خسارت قطع لوله‌های نفتی پس گرفت! و حاضر به پرداخت یک میلیون لیره بابت اختلاف محاسبات حق‌الامتیاز شد اما این مابه‌التفاوت در برابر امتیازات جدیدی که انگلستان بویژه طی مواد ۳ و ۴ مبنی بر دریافت تخفیفها پیش از احتساب منافع خالص برای تخصیص ۱۶ درصد حق امتیاز ایران به دست آورد، بسیار ناچیز بود. سرانجام، آن چنان که فریدون فشارکی نیز می‌نویسد «صنعت نفتی که از امتیاز داری نشأت گرفت

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

نه ارتباطی با اقتصاد ایران داشت و نه تأثیر چندانی در مخارج اقتصادی کشور بازی کرد. این صنعت نفت که در راستای منافع خارجیان بود به امور اقتصادی ایران توجهی نداشت و شاید تنها سود این صنعت در ابتدا درآمد بسیار ناچیزی بود که برای دستگاه دولت ایجاد می‌کرد. « این در حالی بود که به نوشته خبرگزاری رویترز: نفت ایران ۷۵ درصد از دستگاههای صنعتی و وسایل نقلیه امپراتوری انگلستان را به گردش درمی‌آورد و روزی که این معادن تعطیل شود به همان نسبت نیروی دریایی و هوایی انگلستان نیز تعطیل خواهد شد.

۹. نگاهی به تعهدات حقوقی طرفین

دوره زمانی قرارداد

ماده ۱: دولت ایران امتیاز نفتی داری را برای مدت شصت سال در سال ۱۲۸۰ (۱۹۰۱م) به داری اعطا نمود که در عین حال مطابق ماده ۱۶، در صورت عدم تأسیس شرکتی از سوی صاحب امتیاز پس از گذشت دو سال، امتیاز فاقد اعتبار می‌شد. در این توافق‌نامه و بر مبنای مواد ۱۷ و ۱۸ قرار شد اختلافات بر سر قرارداد با قضاوت دو نفر حکم منتخب از سوی طرفین یا با مشارکت حکم ثالث رفع گردد و متن فرانسوی امتیاز به هنگام اختلاف مورد قضاوت قرار بگیرد.

مالکیت اکتشاف

ماده ۱ و ۶: حق تفحص، استخراج و حمل و نقل و فروش نفت، گاز طبیعی، قیر و موم طبیعی در سراسر ایران به استثنای گیلان، آذربایجان، مازندران، خراسان و استرآباد به صاحب امتیاز داده شد و در ماده ۸ تصریح شد تا صاحب امتیاز در عملیات کشف تعلل نوزد.

مالکیت مخزن

ماده ۳: دولت ایران حق استفاده از اراضی دولتی به طور مجانی و حق خرید عادلانه اراضی دایر دولتی و دیگر اراضی غیردولتی جز اماکن مقدس و تاریخی را به صاحب امتیاز واگذار کرد و صاحب امتیاز مالک کلیه مخازن نفتی تحت حوزه عملیاتی خود بود.

مالکیت تأسیسات

ماده ۲: صاحب امتیاز مالک تمام تأسیسات مربوط به عملیات محسوب می‌شد. همچنین حق انحصاری لوله‌کشی و... از محل استخراج به منطقه خلیج فارس و نیز حق بنای چاه‌های نفت، تأسیس کارخانه و... به شرکت داده شد.

پرداخت‌های متقابل

ماده ۱۰: شرکت موظف شد سالیانه ۱۶ درصد منافع خالص خود را به دولت ایران اختصاص دهد و بیست هزار لیره نقد و بیست هزار لیره سهام به محض تأسیس اولین شرکت از طرف صاحب امتیاز به دولت پرداخت

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

نماید. در همین حال، مطابق ماده ۴ به علت دایر بودن معادن نفت شوشتر، قزوین و دالکی بندر بوشهر که متعلق به دیوان همایونی بود ضمیمه شدن آنها به قرارداد منوط به پرداخت سالیانه ۱۶ درصد از مبلغ دو هزار تومان جمع دیوانی آنها از سوی صاحب امتیاز گردید.

تسهیلات به صاحب امتیاز

ماده ۹: دولت ایران اجازه تأسیس شرکتها جهت بهره‌وری از امتیاز را به شرط گزارش به دولت به صاحب امتیاز داد. این شرکتها نیز مشمول تمامی امتیازات و تعهدات صاحب امتیاز شدند. معافیت از پرداخت مالیات و حقوق گمرکی تمامی اراضی، وسایل، تجهیزات و تولیدات از دیگر امتیازاتی بود که به شرکت داده شد.

حقوق دولت

ماده ۱۱: قرار شد پس از انقضای امتیاز، دولت مالک تمامی متعلقات مربوط به صاحب امتیاز شود. همچنین حق تعیین یک نماینده جهت کسب اطلاع از روند کار و پرداخت حقوق سالیانه هزار لیره وی از طرف صاحب امتیاز برای دولت ایران در نظر گرفته شد و در قرارداد کلیه کارکنان، رعیت شاه نامیده شدند.

وظیفه صاحب امتیاز

ماده ۸: صاحب امتیاز متعهد شد تعللی در امر تفحص و حفر چاپ صورت ندهد.

وظیفه دولت

ماده ۱۴: دولت متعهد شد امنیت لازم را جهت اجرای قرارداد فراهم نماید.

زمینه و زمانه قانون امتیاز نفت به شرکت نفت انگلیس و ایران (مصوب ۱۳۱۲/۳/۷)

با گذشت بیش از دو دهه از انعقاد قرارداد داری، زمزمه‌هایی در مورد لزوم تجدیدنظر در قرارداد مذکور در محافل داخلی و خارجی منتشر شد و در نهایت دولت انگلستان را ناگزیر ساخت تا سهم ایران را از سود خالص سالیانه ۶ درصد به ۲۰ درصد افزایش و حوزه عملیات نفتی را نیز به ۲۵ درصد تقلیل دهد. همچنین به پیشنهاد آنها انحصار لوله‌کشی به خلیج فارس از اختیار شرکت خارج شد. اما زمانی که مذاکره نسبت به این موضوع ادامه داشت در سال ۱۹۳۱ حق امتیاز ایران به حدود ۳۰۷ هزار لیره تقلیل یافت در حالی که در سال ۱۹۳۰ سهم ایران حدود چهار برابر این میزان بود. این کاهش چشمگیر در شرایطی بود که تولید نفت شرکت در سال ۱۹۳۱ بسیار بیشتر از تولید آن در سال ۱۹۳۰ بود. از آنجایی که تأمین هزینه‌های مالی توسعه کشور در نتیجه وقوع رکود جهانی طی سالهای ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۱ و کاهش پرداختهای شرکت نفت ایران و انگلیس با بحران مواجه شده بود و تأمین این هزینه‌ها با بحرانهای مالی جدید ناسازگار به نظر می‌رسید، رضاخان در پایان یکی از جلسات هیأت وزیران در ۱۶ نوامبر ۱۹۳۲ تأکید کرد که دیگر قرارداد نفت ایران با شرکت ایران و انگلیس فایده‌ای ندارد و این قرارداد باید لغو شود. در واکنش به این تصمیم، دولت انگلیس در ۱۴ دسامبر

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

۱۹۳۲ شکواییه‌ای علیه ایران به سازمان ملل تسلیم کرد. اما سرانجام قرار شد با توافق طرفین مسئله حل گردد. حاصل این مذاکرات و توافقات، انعقاد قراردادی بود که در ماه مه سال ۱۹۳۳ به تصویب مجلس رسید که حاکی از ادامه فعالیت شرکت انگلیسی بود. هر چند درباره تفاوت این قرارداد نسبت به قرارداد داری عده‌ای معتقد بودند که حوزه عملیات کمپانی از چهارصد هزار مایل مربع به یکصد هزار مایل مربع کاهش یافت، حق انحصاری لوله‌کشی به خلیج فارس از کمپانی سلب شد، سهم ایران از ۱۶ درصد به ۲۰ درصد ارتقاء یافت و همچنین کمپانی موظف به پرداخت سالیانه ده هزار لیره برای اعزام محصلین ایرانی به خارج و جای‌گزینی تدریجی کارکنان ایرانی به جای کارکنان خارجی شد؛ اما در واقع باید قرارداد ۱۹۳۳ را تداوم امتیاز داری دانست و حتی آن را در وضعیتی بدتر از آن قرارداد ارزیابی کرد چرا که بر اساس این قرارداد، کمپانی و شرکتهای تابعه از پرداخت کلیه مالیاتهای گمرکی معاف شدند. ضمن اینکه در این قرارداد که تا سی سال دیگر نیز تمدید شده بود کمپانی ملزم نبود حتی یک سنت از درآمد حاصل از فروش را به پول ایران تبدیل کند و حق لغو امتیاز نیز برای ایران به کلی از بین رفت.

خلاصه، توافقات صورت گرفته در این قرارداد که در قالب ۲۷ ماده ارائه گردید تحت عناوین ذیل مورد بررسی قرار گرفته است.

۱۰. نگاهی به تعهدات حقوقی طرفین

دوره زمانی قرارداد

ماده ۲۶: دولت ایران به شرکت نفت ایران و انگلیس برای مدت شصت سال، تا ۳۱ دسامبر ۱۹۹۳ امتیاز استخراج نفت را واگذار کرد و بر اساس ماده ۲۲ قرار شد هر نوع اختلاف میان طرفین با انتخاب حکم مرضی‌الطرفین حل گردد که در صورت عدم توافق بر سر انتخاب حکم، رئیس دیوان داوری بین‌المللی این انتخاب را انجام خواهد داد و در هر صورت این حکم نباید تابع انگلیس یا ایران باشد.

مالکیت اکتشاف

ماده ۱ بند ب و ج: حق انحصاری تفحص، استخراج و تصفیه و هر نوع عمل مربوط به نفت در زمین حداکثر صد هزار مایل مربع انگلیسی به شرکت ایران و انگلیس داده شد.

مالکیت مخزن

ماده ۲ بند ج و ماده ۴: مالکیت همه مخازن و چاههای نفت مندرج در قرارداد به کمپانی اعطا شد. به تبع آن حق استفاده از زمینهای بایر متعلق به دولت به طور مجانی و خرید با قیمت عادلانه اراضی دایر دولتی و اراضی غیردولتی برای تفحص و نیز حق غیرانحصاری در استفاده از خاک، شن، سنگ و هر زمین بایر دولتی در حوزه امتیاز نیز به این کمپانی داده شد. اماکن مقدس و تاریخی از حوزه قرارداد مستثنی شد.

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

مالکیت تأسیسات

ماده ۵: حق غیرانحصاری حمل و نقل نفت و ساخت لوله‌های انتقال و... و مالکیت کلیه تأسیسات مربوط به کشف و استخراج و... به کمپانی داده شد. همچنین حق احداث خط آهن، بندر، توسعه ارتباط تلفنی و... با اجازه دولت برای کمپانی در نظر گرفته شد.

پرداخت به دولت

ماده ۱۰: مقرر شد کمپانی علاوه بر پرداخت چهار شیلینگ برای هر تن نفت تولیدی، مبلغی معادل ۲۰ درصد اضافه بر ۶۷۱۲۵۰ لیره را به صاحبان سهام عادی کمپانی بپردازد که مجموع دو مبلغ فوق نباید کمتر از ۷۵۰ هزار لیره باشد. در صورت انقضا یا ترک امتیاز، ۲۰ درصد مبلغ کل ذخایر و وسایل منقول حاصل از تفاضل میان سال قرارداد تا سال انقضا یا ترک امتیاز به دولت تعلق می‌گیرد. در پانزده سال اول پرداخت ۹ پنس بابت هر تن از شش میلیون بشکه و شش پنس بابت هر تن اضافه از این رقم و در پانزده سال بعد یک شیلینگ بابت هر تن و ۹ پنس بابت هر تن اضافه آن به دولت داده می‌شود. قرار شد برای جلوگیری از امکان توجه ضرر به دولت در موقع ترقی و تنزل قیمت پول انگلیس، قیمت‌های جدید لحاظ شود. (جزئیات این تغییرات در ماده ۱۰ متن قرارداد آمده است).

تسهیلات به کمپانی

ماده ۶، ۷ و ماده ۱۱: کمپانی حق وارد کردن تمام تجهیزات دارویی و وسایل مورد نیاز مستخدمین بدون تحصیل جواز اما با پرداخت حقوق گمرکی را دارد. نیز اعطای حق ورود هرگونه وسایل مربوط به عملیات تولید بدون تحصیل جواز و پرداخت حق گمرکی و معافیت از هرگونه مالیات در سی سال اول به اضافه معافیت کلی صادرات نفتی از مالیات از دیگر امتیازاتی بود که به کمپانی اعطا گردید.

وظیفه دولت

دولت متعهد گردید با هیچ قانون عمومی و خصوصی و هیچ یک از دستورات و نظامات اداری امتیاز را تغییر نداده و لغو نکند.

۱۱. پیشینه تاریخی و تعهدات حقوقی متقابل ایران و اعضای کنسرسیوم

۱۲. زمینه و زمانه انعقاد قرارداد کنسرسیوم

قرارداد کنسرسیوم را که در سال ۱۳۳۳ش تا ۱۹۵۴م به تصویب ایران رسید از یک منظر باید نقطه پایانی کشمکشهایی دانست که دست کم حدود یک دهه بر روابط خارجی ایران با شرکتها و کشورهای غربی و از جمله انگلستان و شرکت نفت ایران و انگلیس بر سر تقسیم درآمدهای نفتی سایه افکنده بود. این کشمکشها که ایران و انگلستان را حتی تا آستانه رویارویی نظامی کشانده بود سرانجام به کودتای امریکایی - انگلیسی ۲۸

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

مرداد ۱۳۳۲ منجر شد. با وجود این، راه حل نهایی مسئله نفت ایران این بود که شرکتهای بزرگ نفتی گردهم آیند و گروه بزرگ و نیرومندی را به عنوان کنسرسیوم تشکیل دهند. این تمهید هر چند راه سیطره همه جانبه و مجدد شرکت نفت ایران و انگلیس بر منابع نفت ایران را برای همیشه مسدود ساخت؛ اما از سوی دیگر پای شرکتهای نفتی امریکا را به طور جدی به عرصه نفت ایران باز کرد. قرارداد کنسرسیوم در زمانی به امضا رسید که اضافه تولید کشورهای دیگر خاورمیانه به تدریج جایگزین نفت ایران شده بود و بنابراین بازگشت نفت ایران به چرخه تولید به معنای پذیرش یکی از دو گزینه کاهش قیمتتها و یا کاهش تولید دیگر صادرکنندگان جهانی نفت بود. در همین حال، غولهای نفتی بر این باور بودند که راه حل نهایی برای حل مسئله نفت ایران لزوماً نباید شرایطی بهتر از آن باشد که دولتهای خاورمیانه تا آن زمان از آن برخوردار بودند چرا که در غیر این صورت کشورهای نفت خیز منطقه نیز می کوشند از رهگذر ملی کردن نفت، امتیازات جدیدی را از شرکتهای دولتهای غربی کسب خواهند کرد. فرمول حقوقی پذیرفته شده طرفین برای تدوین قرارداد کنسرسیوم این بود که اعضای کنسرسیوم به عنوان خریداران نفت و با تأسیس دو شرکت متولی اکتشاف و تصفیه موسوم به «شرکتهای عامل» قراردادی را با شرکت ملی نفت ایران به امضا می رسانند که به موجب این قرارداد شرکت ملی نفت ایران، نفت خام استحصال از سوی شرکت عامل اکتشاف و تولید در حوزه قرارداد کنسرسیوم را بر سر چاه به اعضای کنسرسیوم می فروخت. مطابق قرارداد کنسرسیوم مقرر شد چهل درصد از سهام کنسرسیوم به شرکت نفت ایران و انگلیس، چهل درصد به صورت متساوی بین پنج شرکت امریکایی گالف اویل، استاندارد اویل کمپانی، استاندارد اویل نیوجرسی، موبیل (سوکونی و اکیوم) و تگزاکو و از بیست درصد بقیه نیز ۱۴ درصد به شرکت هلندی - انگلیسی رویال داچ شل و ۶ درصد نیز به شرکت نفت فرانسه واگذار شود. بر اساس این قرارداد، اعضای کنسرسیوم می توانستند به ترتیب مقرر و به نوبت نفت را در بنادر ایران به قیمت فوب به فروش رسانند. قیمت فوب از سوی کنسرسیوم بر اساس قیمت نفت مشابه خلیج فارس تعیین و اعلام می شد. قرارداد مذکور تفاوت بین قیمت اعمال شده و هزینه استحصال نفت را درآمد ویژه تلقی می کرد و ۵۰ درصد آن به عنوان مالیات به دولت ایران پرداخت می شد.

یادآوری می شود که شرکت ملی نفت ایران در برابر فروش نفت خام به اعضای کنسرسیوم، وجوهی دریافت می کرد که در قرارداد "پرداخت مشخص (Stated Payment)" عنوان شده بود. این پرداخت مشخص که معادل یک هشتم بهای نفت خام بود به موجب قرارداد اصلی کنسرسیوم جزو مالیات محسوب می شد و در نتیجه آخر هر سال از حساب مالیات دولت کسر می گردید به طوری که درآمد ایران در مجموع از ۵۰ درصد درآمد ویژه کنسرسیوم تجاوز نمی کرد. هر چند قرارداد کنسرسیوم در ظاهر، ملی شدن صنعت نفت ایران را پذیرفته تلقی می کرد و شرکتهای عامل، تصدی عملیات را به نمایندگی از ایران برعهده داشتند؛ اما نگاهی به وسعت حوزه

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

عملیات که تقریباً معادل حوزه امتیازی پیش از ملی شدن صنعت نفت بود و دیگر شرایط قرارداد نشان می‌دهد که این قرارداد از بسیاری جهات تفاوت چندانی با سایر قراردادهای موجود تا آن زمان نداشت. قراردادهایی که با کشورهای نفت خیز منعقد می‌شد. درآمد ایران نیز در آن قرارداد به همان میزانی پیش‌بینی شده بود که به دیگر کشورهای صاحب منابع نفتی تعلق می‌گرفت بدون آنکه نفت خود را ملی اعلام کنند.

۱۳. نگاهی به تعهدات حقوق طرفین

مالکیت مخزن نفت

ماده ۴، جزء الف، بند ۱) اعطای حقوق و اختیارات لازم برای اکتشاف از طریق زمین‌شناسی، ژئوفیزیکی و طرق دیگر به انضمام حفر چاه به منظور تعیین شرایط زمین‌شناسی قشرهای تحتانی و حفاری و تولید و استخراج و برداشت نفت خام و گاز و گرداندن دستگاههای تقطیر میدان نفت به شرکت اکتشاف و تولید. ماده ۴، جزء ب) اعطای حق ایجاد تغییرات و بهره‌گیری از تأسیسات موجود و به طور کلی هر عملی که برای ایفای وظایف شرکتهای عامل لازم باشد به شرکتهای مذکور.

ماده ۴، جزء و، بند ۱: لزوم انطباق عملیات شرکتهای عامل با «روش خوب صنعت نفت و تبعیت از اصول صحیح مهندسی در حفاظت ذخایر هیدروکربور در اداره فنی میدان نفتی و پالایشگاهها و در اقدامات مربوط به آماده کردن به طرقی که در عملیات مشابه متداول و معمول است.

ماده ۴، جزء و، بند ۲) انجام عملیات اکتشاف تا حدودی که از لحاظ اقتصادی موجه باشد به منظور اینکه ذخیره کافی به مقدار متناسب با میزان تولید نفت در ناحیه عملیات تأمین گردد.

۱۴. رابطه با نفت تولیدی

ماده ۱، جزء ط) «نفت خام» عبارت است از نفت خام طبیعی، آسفالت و کلیه هیدروکربورهای مایع به حالت طبیعی یا آنچه از طریق فشردن گاز یا سوا کردن از گاز طبیعی به دست می‌آید. ماده ۴، جزء الف، بند ۲) «شرکت تصفیه، حقوق و اختیارات لازم را برای اجرای عملیات زیر خواهد داشت. تصفیه و به عمل آوردن نفت خام و گاز طبیعی محصول شرکت اکتشاف و تولید تصفیه و مشتقات و محصولات دیگر با همین مواد یا به وسیله اختلاط آنها با مواد دیگر، انبارداری و بسته‌بندی و حمل و نقل و تحویل نفت خام و گاز طبیعی و مشتقات به محصولات دیگر با جمیع وسایل به انضمام وسایل بارگیری کشتی.»

ماده ۱۰، جزء الف) اعطای «حق مصرف» و استفاده بلاعوض از نفت تولیدی و محصولات نفتی تصفیه شده به شرکتهای عامل برای تداوم عملیات.

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

ماده ۱۲، «شرکت اکتشاف و تولید حق خواهد داشت با رعایت شرایط و مقرراتی که کتباً بین شرکت ملی نفت ایران و اعضای کنسرسیوم توافق شود نفت تقطیر شده و تفاله آن و یا هر دو را از دستگاههای تقطیر میدان نفت به میزانی که شرکت تصفیه تقاضا کند به مخازن نفتی زیرزمینی بازگرداند.»

ماده ۱۴، جزء الف و جزء ب) الزام مشروط دو شرکت اکتشاف و تولید و شرکت تصفیه به تحویل هر نوع محصول نفتی یا مشتقات آن و همچنین مشتقات نفتی تصفیه شده که برای عملیات شرکت‌های عامل لازم نیست و شرکت ملی نفت ایران به آن نیاز دارد.

ماده ۱۸، جزء الف) الزام شرکت ملی نفت ایران به فروش نفت و گاز محدوده عملیات به اعضای کنسرسیوم و یا شرکت‌های بازرگانی وابسته به آنان.

ماده ۱۸، جزء د، بند ۳) اعطای مالکیت نفت خام و گاز طبیعی از سوی شرکت ملی نفت ایران به شرکت‌های بازرگانی بر سر چاه‌های حوزه عملیات.

ماده ۱۹، «جمع مقدار نفت خامی که شرکت اکتشاف و تولید و استخراج می‌کند علاوه بر آن مقدار که برای محصولات نفتی لازم است و آن مقدار که به صورت نفت خام منحصراً برای عملیات شرکت اکتشاف و تولید و نیز برای جبران ضایعات ضمن عملیات لازم است، مرکب از اقلام ذیل خواهد بود:

بند ۱: مقداری که برای تهیه مواد نفتی و مشتقات آن جهت مصرف داخلی ایران مورد احتیاج شرکت ملی نفت ایران است.

بند ۲: مقداری که (در صورت لزوم) طبق مقررات ماده (۲۳) این قرارداد به صورت نفت خام برای شرکت ملی نفت ایران مورد نیاز است.

بند ۳: مقداری که شرکت‌های بازرگانی به طریقی که شرکت‌های مزبور تعیین می‌نمایند لازم دارند.»
ماده (۲۱) تعیین و تضمین حداقل میزان تولید و صادرات نفت ایران از سوی کنسرسیوم طی سال‌های ۱۹۵۵-۱۹۵۷ به شرح ذیل:

اعضای کنسرسیوم ضمانت می‌کنند که حجم ذیل را تولید کنند:

در سال ۱۹۵۵، ۱۷۵۰۰ متر مکعب، در ۱۹۵۶، ۲۷۵۰۰ متر مکعب و در سال ۱۹۵۷، ۳۵ میلیون متر مکعب، پس از سال سوم مقدار تولید شده را باید با جریان عرضه و تقاضای نفت خاورمیانه تعدیل شود.

۱۵. رابطه با تأسیسات تولید و فرآوری

ماده ۶، جزء الف) اجازه استفاده از تأسیساتی که در تاریخ اجرای قرارداد در ناحیه عملیات وجود دارند به شرکت‌های عامل.

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

ماده ۶، جزء ب و ماده ۶، جزء ه، بند ۱ و ۲) واگذاری مالکیت تأسیسات جدید یا اضافی یا تعویضی از سوی شرکتهای عامل در پایان عملیات در قبال دریافت هزینههای تجهیزات نصب شده به صورت اقساط متساوی ده ساله.

ماده ۱۷، جزء ب) الزام شرکت ملی نفت ایران به حفظ و نگهداری تأسیسات غیرصنعتی موجود در منطقه مورد عملیات، نظیر منازل، راهها، تأسیسات بهداشتی، فروشگاهها، رستورانها و انبارها.

ماده ۱۷، جزء د، بند ۱) مکلف بودن شرکت ملی نفت ایران به تأمین نیمی از سرمایه لازم برای انجام «هزینههای سرمایه‌ای مجاز» برای ایجاد تأسیسات عملیات غیرصنعتی.

۱۶. پرداختهای متقابل

ماده ۱، جزء ن) بهای اعلان شده نفت خام ایران:

۱. در مورد نفت خام که برای صدور از ایران بار کشتی نفت کش شده باشد عبارت است از قیمت فوب کشتی نفت کش در مرکز نهایی ساحلی و آن قیمتی است که شرکت بازرگانی یا وابسته آن، نفت خام برابر آن را چه از حیث جنس و چه از لحاظ وزن مخصوص به منظور فروش و تحویل به خریداران عموماً تحت شرایط مشابه و در همان مرکز نهایی ساحل عرضه می‌دارد

۲. در مورد نفت خام تحویلی به پالایشگاه عبارت است از قیمت نفت خام مشابه آن، چه از حیث جنس و چه از لحاظ وزن مخصوص که به شرح فوق فوب کشتی در بندر پالایشگاه برای فروش عرضه شود منهای مبلغی (حداکثر هشت پنس برای هر متر مکعب) که به طور عادلانه و منصفانه به عنوان هزینه بارگیری نفت خام در بندر پالایشگاه مزبور قابل احتساب باشد.

ماده ۱، جزء س) بهای اعلان شده مربوطه در مورد نفت خام ایران عبارت است از بهای اعلان شده خاصه هر یک از شرکتهای بازرگانی یا شرکت وابسته آن برای این قبیل نفت خام در تاریخ صدور یا در موقع تحویل به پالایشگاه بر حسب مورد.

ماده ۱۱، جزء الف) اعطای اجازه برداشت بدون پرداخت وجه گاز طبیعی به شرکت اکتشاف و تولید از سوی شرکت ملی نفت ایران.

ماده ۱۱، جزء ب، بندهای ۱ و ۲) الزام شرکت تصفیه به پرداخت ۵ درصد قیمت گاز تولیدی به شرکت ملی نفت ایران.

ماده ۱۳، الزام شرکت ملی نفت ایران به پرداخت یک شیلینگ برای استخراج هر متر مکعب از نفت خام و پرداخت یک شیلینگ برای تصفیه هر متر مکعب به شرکتهای عامل به انضمام پرداخت سایر هزینههای این دو شرکت نظیر هزینههای اداری، عمومی، تأسیسی، استهلاک و...

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

ماده (۱۶) الزام شرکت ملی نفت ایران به پرداخت هر دوره سه ماهه بدهی تخمینی به شرکتهای عامل (طبق مواد ۱۴ و ۱۵ حداکثر تا پانزده روز پس از دریافت صورت حساب شرکتهای عامل که بر اساس 'هزینههای جاری' آنان تنظیم شده است.

ماده ۱۷، جزء د، بند ۱) الزام شرکت ملی نفت ایران به پرداخت نیمی از «هزینههای سرمایه‌ای مجاز» برای ایجاد تأسیسات غیرصنعتی در قالب ده قسط متساوی سالیانه.

ماده ۱۷، جزء ه، بند ۲) الزام شرکتهای عامل به پرداخت بدهیهای علی‌الحساب به صورت ماهیانه و تصفیه حساب نهایی سالیانه بر اساس صورت حسابی که شرکت ملی نفت ایران در ظرف سه ماه پس از انقضای آن سال، تسلیم شرکتهای عامل خواهد کرد.

ماده ۱۷، جزء و) منظور شدن همه هزینههای استهلاک تأسیسات غیرصنعتی به حساب هزینههای جاری شرکتهای عامل (در نتیجه تحمیل این هزینه‌ها به شرکت ملی نفت ایران)

ماده ۲۲، جزء الف) تعیین رقم ۱۲/۵ درصد قیمت اعلان شده (معادل یک هشتم بهای نفت خام) به عنوان «پرداخت مشخص» هر یک از اعضای کنسرسیوم به شرکت ملی نفت ایران.

ماده ۲۳) حق شرکت ملی نفت ایران برای اخذ «پرداخت مشخص» به صورت جنسی و در قالب نفت خام. ماده ۲۸، جزء ب) لحاظ شدن «پرداختهای مشخص» ذیل مالیات بر درآمد اعضای کنسرسیوم در نتیجه کسر شدن پرداختهای مشخص از حساب مالیات دولت در آخر سال که پیامد آن نیز محدود ماندن درآمد ایران به ۵۰ درصد حاصل از مالیات بود.

ماده ۳۰، جزء الف) تعیین لیره استرلینگ به عنوان واحد ارزی معتبر برای کلیه پرداختهای کنسرسیوم و شرکتهای عامل به ایران.

۱۷. سایر تکالیف متقابل

ماده ۳) اعضای کنسرسیوم یک شرکت اکتشاف و تولید و یک شرکت تصفیه به نام شرکتهای عامل بر طبق قوانین کشور هلند تأسیس می‌کنند و متعهد می‌شوند که این قرارداد را به امضای شرکتهای عامل برسانند؛ این شرکتها باید در ایران به ثبت برسند و هیأت مدیره هر شرکت باید از هفت نفر عضو تشکیل شود که دو نفر از آنها را شرکت ملی نفت ایران تعیین خواهد کرد. ضمن این که پرداخت هزینه‌ها و حق‌الزحمه مربوط به حضور مدیران شرکتهای عامل به شرکت ملی نفت ایران واگذار می‌شود.

ماده ۴، جزء ز، بندهای ۱ و ۲ و ۳ و همچنین جزء ح، بندهای ۱ و ۲) در صورت عدم پذیرش اطلاعات و حسابرسی عادی حسابهای شرکت از سوی شرکت ملی نفت ایران، حق دستیابی به اطلاعات شرکتهای عامل و

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

اجازه حسابرسی مستقل به این شرکت از محل هزینه‌های خود داده می‌شود، به نحوی منجر به عدم پیشرفت و تداخل در روند شرکتهای عامل نشود.

ماده ۵، جزء ب، بند ۱) اعطای حق اکتشاف به شرکت ملی نفت ایران در شرایطی که شرکت عامل اکتشاف و تولید، عملیات در برخی از حوزه‌ها را مقرون به صرفه تشخیص ندهد اما شرکت ملی نفت ایران بر مقرون به صرفه بودن آن اصرار داشته باشد.

ماده ۷) حق استفاده مانع‌الغیر از اراضی عملیات برای شرکتهای عامل.

ماده ۹) حق استفاده از انواع معادن خاک، شن، آهک، سنگ گچ و سایر مصالح برای شرکتهای عامل با رعایت حقوق اشخاص حقیقی و حقوقی ثالث که طرف قرارداد نیستند.

ماده ۱۷، جزء ز) الزام شرکت ملی نفت ایران به ارائه حساب‌های عملیات غیرنفتی در صورت درخواست شرکتهای عامل.

ماده ۲۸، جزء الف و د) معافیت شرکتهای عامل و شرکتهای بازرگانی از مالیاتهای گمرکی و همچنین معافیت مالیاتی سود سهام شرکتهای مذکور در ایران.

ماده ۳۶) اعطای «آزادی کامل» به کارمندان و خانواده‌های کارمندان شرکتهای عامل و شرکتهای بازرگانی برای رفت و آمد و حمل اثاثیه و آلات و ادوات چه در داخل ناحیه عملیات و چه بین ناحیه عملیات و سایر نقاط ایران که شرکت مذکور در آن فعالیت می‌کند.

ماده ۳۸) واگذاری مسئولیت تمام تعهدات شرکت ملی نفت ایران به «ایران» در صورت از میان رفتن شرکت ملی نفت ایران و فقدان شخصیت حقیقی و حقوقی که تعهدات این شرکت را برعهده بگیرد.

ماده ۴۴) پیش‌بینی چگونگی حل اختلافات و ارجاع امر به داوری به انضمام تعیین متن انگلیسی به عنوان متن معتبر در صورت اختلاف در تأویل و تفسیر قرارداد.

۱۸. دوره زمانی قرارداد

ماده ۱، جزء ث) تعیین مدت مصرح در قرارداد بر مبنای سالنمای شمسی و تعریف سال به صورت ذیل: «سال عبارت است از سال تقویمی که از اول ژانویه شروع می‌شود و دوره سه ماهه عبارت است از اول ژانویه، اول آوریل یا اول ژوئیه یا اول اکتبر» که طبق تقویم گریگوری محاسبه شده است.

ماده ۴۹، جزء الف، ب و ج) تعیین مدت ۲۵ سال از تاریخ اجرا به عنوان مدت قرارداد به همراه پیش‌بینی و اعطای حق تمدید سه دوره پنج ساله به کنسرسیوم از طریق اختاریه شرکت اکتشاف و تولید که باید هم‌زمان با انقضای سال سوم دوره پنج ساله اضافی یا قبل از آن داده شود.

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

نتیجه

وجود برخی الزامات در ابعاد مختلف دینی اجتماعی و فرهنگی و سیاسی جهت آگاهی نسل جدید ضروری است. در بحث فرهنگی و آموزش و پرورش، طراحی نظام انگیزشی در فعالیت های پژوهشی دانش آموزان و آشنایی آن ها با ایران گذشته و حال به صورت مستند از جمله موارد تسهیل کننده انتشار دانش، نو آوری در جامعه علمی باشد. کتاب درسی با موضوع «سرمایه های ایران، گذشته و حال» می تواند بصورت تخصصی در نگهداری از سرمایه ملی نقش موثر و مستقیم داشته باشد.

این مقاله با بازخوانی و بررسی قراردادهای داری و کنسرسیوم بر اساس متن کامل این دو قرارداد سهم منافع ایران و انگلیس را در قراردادهای مذکور بررسی کرد. در مجموع به نظر می‌رسد برنده اصلی قراردادهای داری و کنسرسیوم دولت انگلستان و شرکت نفت ایران و انگلیس باشد. در مورد قرارداد داری آن گونه که اشاره شد دولت انگلستان توانست با صرف تنها هزینه‌ای معادل هزینه چند سال خرید نفت ایران، این نفت را تا چند دهه به تملک خود درآورد و میلیونها لیره نصیب خود سازد و در عین حال نیازهای ناوگان نظامی خود را نیز تا مدتها مرتفع سازد. بنا بر مندرجات کتابهای پنجاه سال نفت ایران و گنج شایگان، دولت انگلستان به واسطه قراردادی که با شرکت نفت ایران و انگلیس منعقد کرد توانست دو میلیون لیره سهام عادی و هزار لیره سهم ممتاز را از نفت ایران به خود تخصیص دهد که این میزان سهام با احتساب سهامی که نصیب کارکنان انگلیسی شرکت مذکور شد به بیش از چهار میلیون لیره سهم بالغ می‌شد. این میزان سهام در حالی بود که سهام دولت ایران از بابت قرارداد مذکور فقط بیست هزار لیره سهام بود.

در همین حال در مورد قرارداد کنسرسیوم که می‌توانست نقطه پایانی بر غارت منابع ایران از سوی انگلستان باشد، شرکت نفت ایران و انگلیس و دولت آن کشور در نتیجه این قرارداد نه فقط از پرداخت ۵۱ میلیون لیره (معادل ۱۴۲ میلیون دلار) که در صورت تصویب قرارداد الحاقی به ایران تعلق می‌گرفت، معاف شدند بلکه به موجب قرارداد کنسرسیوم، شرکت ملی نفت ایران نیز متعهد شد ۲۵ میلیون لیره به عنوان غرامت و بهای داراییهای مربوط به پخش و پالایشگاه کرمانشاه به شرکت نفت ایران و انگلیس بپردازد. افزون بر این، شرکت نفت ایران و انگلیس موقوف شد در ازای شصت درصد سهمی که از نفت ایران در اختیار شرکای خود در کنسرسیوم قرار داده بود سرقفلی معادل ۲۱۴ میلیون لیره دریافت کند. از سوی دیگر نیز مقرر شد به مدت ده سال و هر سال شش میلیون و هفتصد هزار لیره در مجموع ۶۷ میلیون لیره به عنوان هزینه استهلاک تأسیسات مستهلک نشده حوزه قرارداد به شرکت نفت ایران و انگلیس از سوی اعضای کنسرسیوم پرداخت شود. بدین ترتیب نه فقط ادعای یک میلیارد دلاری انگلستان بابت خسارات ناشی از ملی شدن صنعت نفت محقق شد بلکه کنترل بر ۴۰ درصد از صادرات نفت ایران نیز در طول مدت قرارداد دوباره به انگلستان

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

واگذار شد. آن چنان که بنجامین شواردران می‌نویسد: «سود شرکت نفت ایران و انگلیس از محل قرارداد کنسرسیوم به حدی بود که این شرکت در اقدامی سخاوتمندانه به سهامداران خود به نسبت هر سهم ثبت شده چهار سهم جدید جایزه داد و علت اقدام خود را نیز رشد ثروت شرکت به واسطه ایجاد ثبات در ایران اعلام کرد. این در حالی بود که دولت امریکا نیز رضایت خود را از انعقاد قرارداد کنسرسیوم پنهان نمی‌کرد به گونه‌ای که دوایت دیوید آیزنهاور، رئیس جمهوری وقت امریکا لازم دید تا شخصاً نه فقط از شاه ایران بلکه از لوی هندرسون، سفیر ایالات متحده در تهران به علت نقشی که در حل موفقیت‌آمیز این اختلاف داشت، تشکر و قدردانی کند. سرانجام اینکه اگرچه قرارداد کنسرسیوم در پی ملی شدن صنعت نفت ایران به امضای مقامات تهران رسید؛ اما این قرارداد از زوایای اعمال حاکمیت ملی، مدت قرارداد، نحوه تقسیم منافع و نادیده گرفته شدن حق مسلم ایران برای عملیات اکتشاف، استخراج و بهره‌برداری با آرمان ملی شدن صنعت نفت مغایر بود.

منابع

۱. مجموعه قوانین نفت، گاز و پتروشیمی ۱۳۸۱-۱۳۵۱. (۱۳۸۲)، ج ۱، تهران: انتشارات وزارت نفت
۲. موحد، محمدعلی. (۱۳۵۷). نفت ما و مسائل حقوقی آن. تهران: انتشارات خوارزمی
۳. جمال‌زاده، محمدعلی. (۱۳۳۵)، گنج شایگان یا اوضاع اقتصادی ایران. برلین
۴. فاتح، مصطفی. (۱۳۵۸). پنجاه سال نفت ایران. تهران: نشر پیام